

انتهای هفته گذشته بود که ابتدا در مشهد و بعد به صورت سلسله‌وار در سایر نقاط کشور شاهد تجمعات اعتراضی پیرامون مطالبات اقتصادی بحق مردم بودیم. بعد از گذشت مدتی این تجمعات رويه‌ای سیاسی گرفت و با شعارها و اقدامات رادیکال و ساختارشکنانه همراه شد. در برخی استان‌ها نیز این اعتراضات منجر به اغتشاش و درگیری شد و متأسفانه کشته‌هایی به همراه داشت. تحلیل جامعه‌شناختی شما از این حوادث چیست؟

برای بررسی و تحلیل این ماجراها باید تمامی علل و موضوعاتی را که منجر به شکل‌گیری این وقایع شد، بررسی کرد. اگر به‌درستی مشاهده کنیم تقریباً از سال ۱۳۵۷ که انقلاب اسلامی پیروز شد، آرام آرام به شیوه‌های مختلف نوعی از التهابات، تظاهرات و اعتراضات که در برخی مواقع به جنگ خیابانی کشید، آغاز شد. برای مثال در قسمت‌هایی از کشور مانند کردستان و ترکمن صحرا این اعتراضات به حرکات نظامی منتهی شد. در سال ۷۱ و در دوران ریاست‌جمهوری مرحوم هاشمی مردم برخی استان‌ها به خیابان‌ها ریختند و آن اعتراضات حتی کشته‌هایی نیز داشت یا در انتخاباتی که در سال ۷۶ برگزار شد و دولت اصلاحات بر سر کار آمد، بعد از مدتی ماجرای کوی دانشگاه رخ داد و دانشجویان، قشر فرهیخته و طبقه میانی شهرنشین به خیابان‌ها آمدند که این اعتراضات به گونه‌ای تمام شد. بعد از وقایع دوران اصلاحات در سال ۸۸ اتفاقاتی در انتخابات دهمین دوره ریاست‌جمهوری بین دو جناح رخ داد که باعث شد عده‌ای از مردم در سال ۸۸ به تظاهرات خیابانی بپردازند که پس از مدتی آن ماجرا تمام شد.

حال امروز هم این اعتراضات به شکل دیگری پدید آمده است. به عبارت دیگر وقتی نگاه می‌کنیم اگر نقطه عطف را سال ۱۳۵۷ بگیریم که انقلاب رخ داد، تقریباً هر ۱۰ سال یک بار و هر دهه از این‌گونه انفجارهای اجتماعی - سیاسی در سطح کلان جامعه بار داشته است. مودی که به نظر می‌رسد این بار به دفعات پیشین متفاوت باشد، نوع افراد و اقشاری است که به تظاهرات خیابانی ورود پیدا کرده‌اند. در اعتراضات پیشین مثلاً بین دو جناح دعوا می‌شد و به گونه‌ای می‌توانستیم طبقه فشرده را که اعتراض می‌کنند از منظر جامعه‌شناسی سیاسی مشخص کنیم. مثلاً اینها دانشجویانی طرفدار جبهه اصلاحاتند یا طرفداران اصولگرایان. پس می‌توانستیم کاتالوگ اینها را داشته باشیم و بین دو گفتمان مسلط بحث می‌شد و همیشه دو قطبی اصلاح‌طلب و اصولگرا وجود داشته است.

«دانشگاهیان، روشنفکران و طبقه اجتماعی متوسط در تجمعات اخیر حضور ندارند»

این سبک چیزهای که ما می‌بینیم اولاً روشنفکران، دانشگاهیان و طبقه متوسط شهری در این تجمعات حضور ندارند و شهرهای بزرگ مشارکت کمی دارند. در ۱۰۰ شهر تظاهرات اتفاق افتاد. فراخوان داده شد. نکته جالب توجه ماجرا اینجاست که اینها نه اصلاح‌طلبان را قبول دارند و نه اصولگراها را، یعنی در دایره‌ای حرکت می‌کنند که حداقل در این چهار دهه‌ای که جمهوری اسلامی بوده، این دایره فعالیتی نداشته است.

«امر سیاسی در ایران متلاشی شده است»

از منظر طبقه اجتماعی هم طبقه مرفه، میانی و حتی نزدیک به میانی هم در این تجمعات حضور ندارند. این موضوع چند پیام دارد؛ یکی از پیام‌ها این است که به نظر می‌رسد امر سیاسی در ایران متلاشی شده است. فروپاشی امر سیاسی این است که یک یاد و یا سسه گفتمان مسلط دارید و افکار عمومی ذیل این گفتمان مسلط خود را تعریف می‌کند و بر اساس آن ورود می‌کنند.

در رقابت‌های سیاسی و گرفتن قدرت و لشکرکشی و آرایش نیروهای اجتماعی اینچنین حرکت می‌کنند، ولی

وقتی امر سیاسی متلاشی می‌شود- یعنی کسانی که ورود می‌یابند و ماتریکس قدرت را تغییر می‌دهند یا چارچوب آرایش نیروها را می‌خواهند تغییر دهند اساساً این گفتمان‌ها را قبول ندارند. جایی که این نیروها وارد می‌شوند قدرت تخریبی بالایی دارند و حرکات آنها رادیکالی است.

«اعتراضات اخیر ریشه‌های اقتصادی و اجتماعی داشت»

این مدل اعتراضی را اجتماعی- اقتصادی می‌دانید؟

اگر بخواهیم تبارشناسی کنیم و بگوییم از کجا شروع شده است، بله می‌توان ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی را در آن دید.

در ایران چیزی به نام اقتصاد ندارند اگر نگاهی به یک سال گذشته داشته باشیم شاهد یک‌سری تجمعات پی‌درپی هستیم، از جمله کارگرانی که حقوق‌شان چندماهه است

سید جواد میری در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

اصولگرا و اصلاح‌طلب هر دو مقصر هستند

- اصلاح‌طلبان برای جامعه مدنی کاری نکردند و به دنبال خویشاوندسالاری بودند
- در تبارشناسی اعتراضات ریشه‌های اقتصادی و اجتماعی دیده می‌شود
- اقتصاد ما مبتنی بر نگاه سیاست‌محور است
- ورود آمریکابه ماجرای اعتراضات خیابانی بدبینی را تشدید می‌کند
- اعتراضات اخیر «جنبش» نیست



محمد خجسته روزنامه‌نگار

چند سالی است که کشور از وضع مناسب اقتصادی دور است و مدیریت ناموفق دولت حسن روحانی اعتراضات بسیاری را به همراه داشته تا جایی که سعید لیلزاد از هواداران و یاران اقتصادی دولت حسن روحانی پیشنهاد داده اگر نمی‌توانید کشور را اداره کنید، استعفا دهید. صدای مردم معترض به وضعیت اقتصادی بلند شد. کم‌کم صدای مردم به سنگ تبدیل شد و افرادی شعارهای تند ساختارشکنانه در تجمعی بدون مجوز سر دادند. بعد از آن بود که کرمانشاه و قم به

جایگزین کنند، چون نسبت به مساله یمن رویکرد دیگری داشت. از این دست رفتارها بین کشورها وجود دارد. البته ایرانیان هم عادت دارند که مشکلات درونی خود را به خارج از کشور ربط دهند.

در ایران چیزی به نام اقتصاد نداریم و این حرف مهمی به نظر می‌رسد. اقتصاد ما قبل از اینکه مبتنی بر بیش از اقتصاد باشد، مبتنی بر نگاه سیاست‌محور است، یعنی

می‌گوییم ایدئولوژی و چارچوبی تعریف شده و در این چارچوب اهدافی داریم که آن اهداف ایدئولوژیک انقلاب باید تأمین شود. به این منظور همه ظرفیت‌های جامعه اعم از اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و حتی دینی را در خدمت باید‌های ایدئولوژیک قرار می‌دهیم. در اینجا اقتصاد به معنای مولفه‌ای مجزا نیست که مثلاً در ژاپن و کره مطرح بوده است. این باعث می‌شود اگر می‌گوییم ریشه این عوامل اقتصادی یا معیشتی است، آدرس اشتباهی می‌دهیم و به دنبال مولفه‌هایی می‌گردیم که اساساً هیچ نقش محوری‌ای در تعیین و مدیریت و شاکله مسائل اجتماعی- سیاسی و فرهنگی ایران ندارد. امروز می‌گوییم زمینه اینها از یک سال پیش شروع شده است. سیاست‌های داخلی ما در خلأ تعریف نشده است. وقتی دولت احمدی‌نژاد بر سر کار آمد قلعنامه‌های کردن کلفت علیه ایران تصویب شد. اقتصاد ایران به گونه‌ای ضربه دید که یک شبه سه تا چهار برابر فقیرتر شد.

دادوست‌بین‌المللی ما مختل و سیستم بانکی وارد ایران می‌شود چطور وارد شده و چطور از خارج به ایران می‌آید. انقلاب در سال ۱۳۵۷ پایان نیافته و باید ادامه داشته باشد و همیشه در حال تحول و تغییر باشیم. شیوه انقلابی کشور باید ادامه پیدا کند تا اینکه استکبار به زمین بنشیند. در مقاطع مختلف باید استراتژی‌ها تغییر کند. من فکر می‌کنم با این وضعیت که امروز در کشور ایجاد شده، چرایی شروع این اعتراضات مهم است.

«اعتراضات اخیر «جنبش» نیست»

بعد خارجی را نمی‌توان نفی کرد ولی واقع امر این است که وضعیتی را درست کرده‌ایم که در این وضعیت امر سیاسی در آستانه فروپاشی است. دو طیف دارید و اینها قدرت را بین خود تقسیم می‌کنند. یکی گوشه راست و دیگری گوشه چپ بازی می‌کند. تا زمانی که بین دو گروه بحث سر این است که اقتصاد را این چنین اداره کنیم و سیاست خارجه به چه صورت باشد، یکی نگاه به شرق دارد و دیگری نگاه تلقیفی شرق و غرب را می‌پسندد، دیگری نگاه به غرب را هم مهم می‌داند، کار سیاسی می‌کنیم.

یعنی به گونه‌ای می‌توانیم با هم مذاکره کنیم. من شما را به عنوان گوشه راست به رسمیت می‌شناسم و شما هم مرا به عنوان گوشه چپ به رسمیت می‌شناسید و این را به بدنه جامعه هم تلقین و تزریق می‌کنیم. نیروهای بسیجی، انتظامی، دانشگاهی، مردمی و... به گونه‌ای مشاهده می‌کنند که این دو جناح در حال مذاکره و گفت‌وگو هستند.

ولی زمانی که شروع کردید و گفتید کسی که جلوی من ایستاده از اساس فاسد، وابسته و شر مطلق است و من فقط خبر مطلق هستم و این موضوعات را به بدنه جامعه تزریق کردید، اختلافات شما به گونه‌ای می‌شود که

این حرکات اعتراضی پیوستند و سپس چندین استان دیگر. اما دیگر مطالبات اقتصادی شعار اصلی ماجرا نبود و اغتشاش، درگیری، آتش زدن و تیراندازی نتیجه حضور خیابانی شد. بیرونی‌ها هم که منتظر کوچک‌ترین فرصت برای ارائه نظرات هستند در اولین لحظات وارد ماجرا شدند و از ترامپ و نتانیاهو گرفته تا رضا پهلوی، مریم و مسعود رجوی از اقدامات ساختارشکنانه حمایت کردند و به مردم پیشنهاد دادند که به خیابان‌ها بریزند و برخی جاها را آتش

بپرون می‌ریزد. مردم هم از فاز سیاسی به فاز غیرسیاسی روی می‌آورند و از این موضوعات عبور می‌کنند. وقتی گفت‌وگوهای این روزها را دنبال می‌کنم، آقای عباسی درباره آقای روحانی و نبیلی و تیم ایشان صحبت می‌کرد. بحث سر این نبود که سیاستگذاری‌های آقای روحانی در بخش اقتصاد غلط است. بحث سر این بود که شما از اول ریل را به سمتی گذاشتید که مملکت را نابود کنید و از مسئولیت شانه خالی کردید. در اینجا نمی‌توان گفت‌وگو کرد. پس امر سیاسی نیست و به مرده بیشتر شباهت دارد.

«بین خبر و شر گفت‌وگو شکل نمی‌گیرد»

و تحولات ۹۶ دید؟ در نظر من آن زمان موضوعات تلطیف شده بود. از سال ۸۸ یا شاید از سال ۸۴ یا از ۷۶ چنین شد که وقتی بحث بر سر این باشد که روبه‌روی من شر مطلق و خائن است، بین خبر و شر گفت‌وگو صورت نخواهد گرفت و امر سیاسی هم شکل نمی‌گیرد.

«پشت‌پرده تاکتیک‌های روانی این اعتراضات آمریکاست»

شاید آنها این تاکتیک‌های روانی را استفاده می‌کنند تا در اینجا چنین اتفاقاتی رخ دهد. ۶ ماه است دولت بر سر کار آمده، چطور می‌توان آن را استیضاح کرد و انتخابات زودرس انجام داد. اینها نشان می‌دهد با حرکات دموکراتیک و با روش‌هایی که می‌توانند نرمال سازی کنند، مخالف هستند و سابقه آمریکا در این موضوع جهانی است.

من فکر می‌کنم این بحث را نمی‌توان فقط با ارجاع به نشانه‌های خارجی تحلیل کرد. وقتی وضعیت و امنیت کشور به سمتی برود که کار از دست مدیران امنیت کشور خارج شود، ورود نیروهای خارجی و ماهی گرفتن از آب گل‌آلود هم وجود خواهد داشت. چون بالاخره آنها دشمن ما هستند و از دشمن هم دشمنی برمی‌آید.

«بعد خارجی اعتراضات را نمی‌شود نفی کرد»

پس قبول دارید در بررسی علل شکل‌گیری این اعتراضات باید نقش حمایتی دشمنان و گروهک‌های برانداز را که طی چهار دهه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با نظام سیاسی مخالفت می‌کردند، زیاد دانست.

بعد خارجی را نمی‌توان نفی کرد ولی واقع امر این است که وضعیتی را درست کرده‌ایم که در این وضعیت امر سیاسی در آستانه فروپاشی است. دو طیف دارید و اینها قدرت را بین خود تقسیم می‌کنند. یکی گوشه راست و دیگری گوشه چپ بازی می‌کند. تا زمانی که بین دو گروه بحث سر این است که اقتصاد را این چنین اداره کنیم و سیاست خارجه به چه صورت باشد، یکی نگاه به شرق دارد و دیگری نگاه تلقیفی شرق و غرب را می‌پسندد، دیگری نگاه به غرب را هم مهم می‌داند، کار سیاسی می‌کنیم.

یعنی به گونه‌ای می‌توانیم با هم مذاکره کنیم. من شما را به عنوان گوشه راست به رسمیت می‌شناسم و شما هم مرا به عنوان گوشه چپ به رسمیت می‌شناسید و این را به بدنه جامعه هم تلقین و تزریق می‌کنیم. نیروهای بسیجی، انتظامی، دانشگاهی، مردمی و... به گونه‌ای مشاهده می‌کنند که این دو جناح در حال مذاکره و گفت‌وگو هستند.

ولی زمانی که شروع کردید و گفتید کسی که جلوی من ایستاده از اساس فاسد، وابسته و شر مطلق است و من فقط خبر مطلق هستم و این موضوعات را به بدنه جامعه تزریق کردید، اختلافات شما به گونه‌ای می‌شود که



بزنند شاید مشکلات‌شان حل شود. برای بررسی چرایی و چگونگی تبدیل شدن اعتراضات اقتصادی مردم به «آتار شیشم افراطی» سراغ سید جواد میری، عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی رفتم تا با او علل جامعه‌شناختی این حادثه را تحلیل و بررسی کنیم. در ادامه متن گفت‌وگوی ما را در یکی از بعد از ظهرهای همراه با اغتشاش محدود یکی از میادین مرکزی شهر تهران می‌خوانید.

روی یک‌سری مسائل دست می‌گذارند و از طریق مدنی تجمعاتی می‌کند و می‌گوید با این سیاست مخالف هستم. بعد از آن حاکمیت ممکن است قبول نکند و اعتراض کنندگان مثلاً پنج روز اعتصاب یا پنج روز تظاهرات کنند و یواش یواش به دولت فشار می‌آید و نمایندگانی برای گفت‌وگو و مذاکره می‌فرستند. به توافق می‌رسند و سیاست‌ها تغییر می‌کند و مردم به حق و حقوق خود می‌رسند و دولت می‌فهمد ملت بیدار است و اراده ملی وجود دارد.

وقتی شما اعراض می‌کنید و به کلیت کار ندارید، باید پرسش شود بچه‌ای که بی‌سواد است به دلیل فطری بودن است یا با ما کاری کردیم که بی‌سواد شده است؟

«باید به مردم اجازه بدهیم جامعه مدنی را یاد بگیرند»

باید اجازه دهید مردم یاد بگیرند فوتبال بازی کنند و پاس به هم بدهند. ممکن است دو بار اوت بزنند ولی اجازه دهید یاد بگیرند. این تعداد محدودی که به خیابان آمدند اعراض کردند و اعتراض ندارند. اعتراض به دنبال هدفی هستند و سعی می‌کنند به نتیجه‌ای برسند.

«زمانی که به دنبال نتیجه نیستید جامعه را آتش می‌زنید»

شما وقتی دنبال نتیجه نیستید، آتش می‌زنید و تخریب می‌کنید و دنبال امتیاز گرفتن از صندوق بازنشستگی حقوق را دیر می‌دهد دولت برای رسیدن به هدف نیستید. مثلاً صندوق بازنشستگی حقوق را دیر می‌دهد یا چند ماه حقوق نداده است، مردم به آن اعتراض می‌کنند. ولی وقتی اصل صندوق را نمی‌خواهند گفت‌وگو نمی‌شود و این وضع بسیار نامناسب است.

«امر سیاسی و مدیریت کشور بر معیار حق و باطل نیست»

ما قالب سیاسی را بر حق و باطل تعریف کردیم، در حالی که امر سیاسی و مدیریت کشور روی حق و باطل نیست. حق و باطل دو بعد درون انسان است و در نسبت با متافیزیک و خدا و رفتار و سلوک شخصی است. اینکه در حوزه قدرت بگوئیم این قدرت را ما گرفتیم برای اینکه حق را پیاده کنیم و دیگری بگوید او قدرت را گرفته برای اینکه باطل را پیاده کند، امر سیاسی شکل نخواهد گرفت و منجر به این می‌شود که بین خبر و شر گفت‌وگو و مذاکره شکل نگیرد.

در سال‌های قبل شاهد مطالبات اقتصادی و اجتماعی مردم بودیم؛ اعتراضاتی که ریشه اجتماعی و اقتصادی داشت و با اعتراضات امروز بحق و درست مردم در موضوعات اقتصادی ناکام بماند؟

اینکه نیروهای سیاسی به جای اینکه به مسائل و مشکلات عمقی نگاه کنند، می‌خواهند بگویند مشکلات مملکت از سر سیاست‌های غلط دولت است.

برای اینکه مطالبات بحق مردم به انحراف نکشد، باید انجمن‌ها و احزاب به میدان بیایند و مطالبات مردم را پیگیری کنند.

«بین اعتراض با اعراض تفاوت وجود دارد»

اگر این مطالبات اقتصادی مردم در فضای رادیکال مطرح شود، آیا از طرف دستگاه‌های مسئول شنیده خواهد شد؟ امیدوارم فضا رادیکال‌تر نشود. من درباره تفاوت بین اعتراض و اعراض یادداشتی نوشتم. اعتراض یعنی شهروند در ساختار حاکمیت

نکنیم تا به گونه‌ای شود که روحانی همانند دوران اصلاحات به بن‌بست برسد و بگویند به کاندیدای اصولگرا برسیم. شکست آقای روحانی شکست گفتمان سیاسی است.

«جامعه در حال عبور از گفتمان سیاسی چه می‌شود افرادی همانند خانم ابتکار و اصلاح‌طلبانی که دیروز مخالفت‌هایی باسیستم داشتند. امروز به این نتیجه می‌رسند که بحث جامعه مدنی را مطرح کنند. آیا اصلاحات امروز به این عقلانیت رسیده یا اینکه در سال ۸۸ هم این عقلانیت را داشت؟»

یک زمانی شما اصولگرایی را زیر سوال می‌بردید و اصلاح‌طلبی مطرح می‌شود. ولی وقتی کل مطلب زیر سوال برود، یعنی اصل چیزی که وجود دارد زیر سوال رفته و این عبور از گفتمان سیاسی است.

«فضا رادیکال شود دود آن به چشم همه خواهد رفت»

در فضایی که مطالبات رادیکال می‌شود، حاکمیت مطالبات بحق مردم را پاسخ می‌گوید؟ وقتی فضا رادیکال شود، دود آن به چشم همه خواهد رفت. زمانی که مطالبات رادیکال شود، ورود نیروی‌های نظامی را خواهیم داشت و احتمال کودتای نظامی هست و سایر ماجراها.

«برخی‌ها با طرح موضوعات دیگر مطالبات اقتصادی مردم را به حاشیه راندند»

چه کار باید کرد تا مطالبات مردم سر جای خود بازگردد؟

متأسفانه به دیگر بحث اقتصادی نیست و برخی افراد موضوعات دیگری را مطرح کرده‌اند که به مطالبات بحق مردم صدمه زد.

برخی اذعان دارند این شب‌ها شاهد حضور دهه هفتادی‌ها هستیم و آنها مانند بازی‌های استراتژیک رایانه‌ای در حال تخلیه انرژی خود در خیابان‌ها هستند. برخی اذعان دارند بسیاری از کسانی که امروز به خیابان‌ها آمده‌اند، مشکل اقتصادی ندارند، چون وضع پوشش آنها خوب است و مثلاً گوشی آیفون دارند و درد آنها موضوعات دیگری است.

وقتی حرکتی شروع می‌شود، مولفه‌ها و افرادی که به آن می‌پیوندند می‌توانند متنوع شوند. بحث اصلی به نظر من فروپاشی امر سیاسی است. اگر این بحث امروز جدی گرفته نشود، صدمات بسیاری را به کشور وارد خواهد کرد.

«انتصابات شهردار تهران بر معیار خویشاوندسالاری است»

این همه سال‌ها چه می‌کردند؟ مثلاً جریان اصلاحات معتقد است که من منادی و ترویج‌دهنده آزادی بیان و امر سیاسی هستم و دموکراسی و آزادی را همه با من می‌شناسند. از دوم خرداد سال ۷۶ تا امروز جریان اصلاحات چه کرده‌است که امروز در هیچ کجای مناسبات این اعتراضات نیست؟

اصلاحات زمانی از جامعه مدنی نام می‌برند که در قدرت نبودند و وقتی در قدرت بودند خویشاوندسالاری را سرلوحه قرار دادند. دیده شده است از نخبگان و دانشگاهیان کمک بگیرند. مثلاً آقای نجفی که امروز شهردار تهران و شهردار اصلاح‌طلب است، کجا از مشاوره ما استفاده کرده‌است؟ همه انتصابات ایشان خویشاوندسالاری است و چیزی به نام دموکراسی نداریم و این تبعات خود را دارد.

«کنشگران سیاسی می‌توانند این جو را آرام کنند؟»

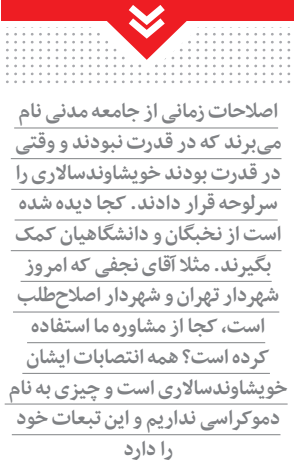
هنوز نشان نمی‌دهد.

امروز بزرگان هر دو جریان معتقدند بحث جامعه مدنی باید دنبال شود. نظر شما چیست؟ حرف‌هایی است که بزرگان می‌زنند و باید پاسخ دهند. ما که بزرگ نیستیم (خنده). نظر من این است که وضعیت کنونی به نقطه آرامش برسد و درباره اینکه اساساً آینده ایران را چگونه مدیریت کنیم، بازبینی

جدی شود. وقتی از حکمرانی خوب صحبت می‌کنیم، منظور چیست؟ حکمرانی خوب آن چیزی نیست که من می‌گویم. حکمرانی خوب برای قرن ۲۱ به چه معنا است و باید روی این موضوع بحث کرد تا شاهد چنین ماجراهایی نباشیم.

امروز جمعیت این اعتراضات کاهش یافته است. ممکن است حمایت‌های امثال مریم و مسعود رجوی، رضا پهلوی، ترامپ و نتانیاهو و آل‌سعود باعث کاهش جمعیت شود؟

امیدواریم کاسته شود و از شعارهای رادیکال پرهیز شود. ایرانی‌ها وقتی ببینند خارجی‌ها عیب می‌کنند، حالت دفاعی پیدا می‌کنند و حکمت‌العمل نشان می‌دهند. نه‌ها حرفی که می‌توانم بیان کنم این است که نسبت به امر سیاسی و فراسوی دعوای جناحی در ایران باید بازنگری جدی شود. امیدواریم این امر انجام شود.



اصلاحات زمانی از جامعه مدنی نام می‌برند که در قدرت نبودند و وقتی در قدرت بودند خویشاوندسالاری را سرلوحه قرار دادند. کجا دیده شده است از نخبگان و دانشگاهیان کمک بگیرند. مثلاً آقای نجفی که امروز شهردار تهران و شهردار اصلاح‌طلب است، کجا از مشاوره ما استفاده کرده‌است؟ همه انتصابات ایشان خویشاوندسالاری است و چیزی به نام دموکراسی نداریم و این تبعات خود را دارد